



نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند (14)

پدیدآورده (ها) : گلی زواره، غلامرضا
فلسفه و کلام :: درس‌هایی از مکتب اسلام :: بهمن 1396 - شماره 681
از 33 تا 41
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1333741>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 02/05/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع

در شبه قاره هند

(۱۴)

در شماره گذشته (دی ماه ۱۳۹۶) درباره موقعیت شهر «اوده» هند و زندگی شخصیت‌های برجسته مسلمان در آن شهر از جمله علامه سید دلدار علی رضوی نقوی مطالبی تقدیم کردیم و اینک ادامه مطلب:

مرجع تقلید مبارز و مقاوم
سید محمد دلدار علی (۱۲۸۴-۱۱۹۹ق)
فرزند ارشد علامه سید دلدار علی که در
قلمرو حکمرانی سادات اوده با عنوان
سلطان العلماء شهرت دارد، در نوزده
سالگی به درجه اجتهاد رسید. او
همچون والدش؛ فقیه، محقق و عالم
بزرگواری بود و به سه زبان فارسی،
اردو و عربی تألیفات متعددی دارد و

در فقه، اصول، حدیث و کلام از خود
بر جای نهاده است.
سلطان العلماء فقیهی مبارز بود و
در برابر برخی از اعمال بدعت‌آمیز
سلطان نصیرالدین (حکومت
۱۲۵۳-۲۴۳ق) ایستادگی کرد و این
سلطان را از خلاف‌هایش بازداشت.
نصیرالدین از او خواست با صدور
فتوایی اعمال ضددینی او را مورد

محمد داد و گفت: حاکم واقعی، امام معصوم است و اکنون که عصر غیبت حضرت ولی عصر است، شما که فقیه برجسته و وارسته‌ای هستید، نایب آن حضرت و ولی فقیه می‌باشید. او هم طی حکمی امجد علی شاه را به عنوان فرمانروای اوده مورد تأیید و تنفیذ قرار داد و بسیدین سان حکومت او مشروعیت یافت.

امجد علی در دوران زمام‌داری‌اش محکمه‌ای قضایی با عنوان **مرافعة الشریعة** تأسیس نمود تا از این طریق، امور قضایی، حقوقی و جزایی مطابق شرع اسلام و فقه شیعه حل و فصل گردد. علامه سید محمد که در رأس این امور قرار داشت، در سراسر قلمرو سلطنت امجد علی، علمایی را به عنوان قضات منصوب کرد. وی همچنین زکات اموال شاه را محاسبه و دریافت کرد و در مصارفش هزینه نمود.

با پی‌گیری‌های سلطان‌العلماء و

تأیید قرار دهد، ولی سید محمد با تقاضای مذکور به مخالفت برخاست و در پی آن، سلطان فرمان به توپ بستن خانه این عالم عامل را صادر کرد. تقاضای بزرگان اوده برای انصراف سلطان از این کار نتیجه‌ای نداد. فرمانده توپخانه دولت اوده بعد از دریافت این دستور عراده‌های توپ را به سوی قصر سلطنتی و خانه سلطان العلماء - هر دو - نشانه رفت.

سلطان از وی درباره این تصمیم توضیح خواست؛ او هم جواب داد: روا نیست خانه علامه سید محمد سلطان‌العلماء که منزل شاه دین است ویران گردد و خانه شاه دنیا باقی بماند؛ از این روی من آماده‌ام که هم دین و هم دنیای خود را خراب کنم. شاه از این پاسخ منقلب گشت و از تصمیم خود منصرف گردید.

در سال ۱۲۸۵ق امجد علی که بعد از فوت پدرش حاکم اوده شده بود، دستگاه حکومت را تحویل علامه سید

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

سلطان العلماء به عنوان حاکم شرعی و قاضی القضاة اوده مسایل گوناگون و پیچیده قضایی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی را با فتاوی خود حل و فصل می نمود. در یک مورد، حکمی به سود یک بازرگان و علیه فرمانروای وقت -امجد علی شاه- صادر کرد و حاکم مزبور را وادار نمود مطابق حکم شرعی مبلغ هفتصد هزار روپیه به عنوان غرامت به بازرگان طرف دعوی پردازد.

در سال ۱۲۷۳ق آخرین حاکم اوده از سوی ارتش دولت استعماری بریتانیا برکنار شد و همراه خانواده اش به شهر کلکته -مقر حکومتی کمپانی هند شرقی- به عنوان تبعیدگاه انتقال داده شد. سید محمد سلطان العلماء در برابر این تهاجم و اشغال خاموش نماند و در برابر محاصره نظامی لکنهو فتوا صادر کرد که مسلمانان باید از قلمرو و حیثیت خود دفاع نمایند و طبق موازین شرع مقدس بر حاکمان عصر،

برادرش -سید العلماء سید حسن- زمامداران اوده کمک های مالی قابل توجهی برای تقویت حوزه های علوم دینی نجف، کربلا و مشهد رضوی ارسال نمودند و تلاش های عمرانی جدی و اساسی برای بازسازی، مرمت و توسعه بارگاه ائمه اطهار(ع) در عراق انجام گرفت. هزینه انجام کارهای عمرانی یادشده در عراق، به حکم سلطان العلماء توسط سلاطین اوده برای مرحوم شیخ محمدحسن نجفی -مؤلف کتاب جواهرالکلام و از مراجع بزرگ آن دوران در نجف اشرف- ارسال گردید.

در ایام فرمانروایی واجد علی شاه(۱۲۷۳-۱۲۶۴ق) با همت سلطان العلماء کمک های فراوانی برای حرمین شریفین در حجاز فرستاده شد. افزون بر این به مراکز دینی همچون مساجد، حسینیه ها و حوزه های علوم دینی در قلمرو اوده مبالغ قابل توجهی اختصاص یافت.

عبادی و دینی، چون مساجد، حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه و کتابخانه‌ها توسط نیروهای مهاجم ویران گردید و حسینیه بزرگ آصفیه لکنهو به محل استقرار سربازان بریتانیایی تبدیل شد! ارتش اشغال‌گر انگلیس همچنین خانه‌های فرزندان و اعضای خانواده علامه دلدار علی را در لکنهو ویران کرد و در محل آن، خیابانی احداث کرد و آن را به نام ملکه انگلیس، ویکتوریا نام‌گذاری کرد.

بعد از این رویدادهای اسفبار، شماری از علمای متعلق به خاندان دلدار علی به اجبار شهر لکنهو را ترک کردند و به عراق عزیمت نمودند و در شهر کربلای معلی ماندگار شدند. با این حال سید محمد سلطان‌العلماء ثابت و استوار در لکنهو ماند و تلاش کرد از میراث دینی، فرهنگی و تاریخی شیعیان صیانت نماید. سرانجام وی پس از عمری تلاش‌های علمی، فرهنگی و مبارزاتی در ۲۲ ربیع الاول

دفع شرکفار از اهل ایمان و اسلام و اجرای حدود بر محاربان مشرک و قصاص خون مسلمانان واجب است. این فتوای مهم تاریخی آغازگر نبرد با ارتش انگلیس در سال ۱۸۷۵م/۱۲۷۴ق شد و با شجاعت، مقاومت و فداکاری مردم منطقه، ارتش مدرن و مجهز انگلستان در محل چنیت در حوالی لکنهو تار و مار گردید و روز بعد هم شهر لکنهو از اشغال نظامی بریتانیا آزاد شد و نزدیک یک سال مردم این دیار حملات مکرر ارتش انگلیس را دفع کردند. در این مقاومت تاریخی، علمای شیعه حضوری جدی و تأثیرگذار داشتند.

ارتش انگلستان با بهره‌گیری از قوایی تازه‌نفس و تجهیزات پیشرفته‌تری در عملیاتی جدید، مهاجم گسترده و سختی را بر شهر لکنهو آغاز کرد و دوباره این کانون استقرار شیعیان هند را به اشغال خود درآورد و در پی آن، تعدادی از مراکز

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

علی می‌باشد، همچون پدر و برادر بزرگوار خود -سلطان‌العلماء- فقیهی مبرّز به‌شمار می‌رفت. او در شبه قاره

۱۲۸۴ق در لکنهو درگذشت و پیکرش در جوار مزار پدرش در حیاط حسینیه غفران مآب به خاک سپرده شد^(۱).

سید علی -برادر سید محمد- اولین تفسیر شیعی از قرآن مجید را به زبان اردو با عنوان توضیح‌المجید در هشت مجلد تألیف نمود. وی از واعظان و مبلغان برجسته بود. پس از اتمام تفسیر همراه جمعی از دوستان به زیارت آستان قدس رضوی مشرف گشت و از آن جا عازم مشاهد مقدسه عراق شد تا آن که در ۱۸ رمضان المبارک ۱۲۵۹ق در کربلا درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد.

سید حسن -برادر دیگر سلطان العلماء- نیز از علمای فاضل بود و نخستین کتاب علم کلام شیعی به زبان اردو را به عنوان باقیات‌الصالحات تألیف نمود.

وی نیز در یازدهم شوال المکرم ۱۲۶۰ق در لکنهو درگذشت. سید حسن که آخرین فرزند علامه دلدار

فرمانده توپخانه دولت اوده بعد از دریافت این دستور (به توپ بستن خانه سلطان‌العلماء)، عراده‌های توپ را به سوی قصر سلطنتی و خانه سلطان العلماء -هر دو- نشانه رفت. سلطان از وی درباره این تصمیم توضیح خواست؛ او هم جواب داد: روا نیست خانه علامه سید محمد سلطان‌العلماء که منزل شاه دین است ویران گردد و خانه شاه دنیا باقی بماند؛ از این روی من آماده‌ام که هم دین و هم دنیای خود را خراب کنم. شاه از این پاسخ منقلب گشت و از تصمیم خود منصرف گردید.

۱. سوانح سلاطین اوده، ص ۱۱۴-۱۱۲، احسن الودیعة، ج ۱، ص ۵۴-۵۲، فواید الرضویه، ص ۵۳۲، مکارم‌الآثار، ج ۱، ص ۹۲، نزهة الخواطر، ج ۷، ص ۴۲۵، فصل‌نامه مشکوة، شماره ۸۷، ص ۱۶-۱۰۵.

سپرده شد^(۱).

منظومه نورانی دانش و فضیلت

یکی از شخصیت‌هایی که چون خورشیدی درخشان در سرزمین هند مشغول پرتوافشانی بوده است و میراث علمی، فکری و معنوی وی در جهان اسلام و دنیای تشیع همچنان در حال فروزندگی است، علامه بزرگوار میر حامد حسین موسوی نیشابوری هندی (۱۳۰۶-۱۲۴۶ق) می‌باشد که نسب او با ۲۷ واسطه به امام موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. سید اوحد شرف‌الدین ابی‌طالب معروف به سید الأشرف نواده امام‌زاده سید محمد محروق مدفون در نیشابور، از اجداد میر حامد حسین در هنگام هجوم مغولان به ایران از نیشابور به هندوستان مهاجرت کرد و در کنتور

هند به عنوان سیدالعلماء شهرت یافت. او در چهارده سالگی به درجه اجتهاد رسید. آثار متعدد در فقه و اصول، ادعیه، کلام، حکمت، اخلاق، تفسیر و رد فرقه‌های ضاله تألیف نموده است. سید حسن، متصدی گردآوری و تقسیم زکات در سراسر قلمرو دولت شیعی اوده گردید. او شخصاً زکات اموال امیران و کارگزاران اوده را محاسبه کرده و دریافت می‌نمود و آن‌ها را مطابق موازین شرعی میان افراد کم‌بضاعت و مستحق توزیع می‌کرد. با فقرا و اقشار محروم انس و الفت و معاشرت داشت و به دیدن بیماران و دردمندان می‌رفت و آنان را کمک مالی می‌کرد. سید حسن عالمی زاهد، عابد و قانع بود و غالب روزها را روزه می‌گرفت و شب‌ها را به عبادت و تهجد می‌پرداخت تا آن که در ۱۷ صفر ۱۲۷۳ق دار فانی را وداع گفت و پیکرش در حیاط حسینیه حضرت غفران مآب لکنهو به خاک

۱. تذکره بی‌بها، ص ۱۲۳، مطلع الانوار، حسین مرتضی، ص ۶۴۹-۶۴۸، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ص ۴۳۱-۴۲۸.

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

برجسته‌ترین چهره‌های علم عقاید و مناظرات به شمار می‌رود. اگرچه او در علم کلام پیشرفت زیادی نمود و عمری را در پژوهش و تتبع در منابع دینی صرف نمود، اما از امور اجتماعی غافل نبود. مدتی در شهر میرتهه بر کرسی قضاوت و فتوا نشست و رساله‌ای نیز به نام **عدالت علویه** نوشت که حاوی احکام قضاوت، شرایط قاضی و مفتی بود. او واپسین اوقات زندگی را به طاعت و عبادت و ذکر خداوند و تألیف و نگارش اختصاص داد تا آن که در نهم محرم الحرام ۱۲۶۰ ق درگذشت و پیکرش در حسینیه خودش به خاک سپرده شد^(۳).
محدث قمی در ذکر مکارم والای

رحل اقامت افکند. میر سید علاءالدین نوه سیدالاشرف در رشته‌های گوناگون علمی تبحر یافت و آثاری گرانسنگ نگاشت و در زادگاه خویش -کنتور- اهالی را ارشاد و هدایت می‌کرد که اکنون مزار این عالم سخی و سید جلیل‌القدر زیارت‌گاه علاقه‌مندان است که از دور و نزدیک بدان سوی روی می‌آورند. تمامی سادات نیشابوری مقیم کنتور، از نسل این سید بزرگوار هستند^(۱).

میر حامد حسین در بوستان خاندانی دیده به جهان گشود و به شکوفایی رسید که عالمانی آگاه، فاضل، مجاهد، خادم دیانت و متعهد بودند. در واقع باید آنان را مشعل‌داران فرهنگ و فضیلت و مجاهدان عرصه‌های عقیده و تعهد بدانیم^(۲).

پدر ارجمندش -علامه سید محمدقلی (۱۲۶۰-۱۱۸۱ ق) از دانشوران، محققان و متکلمان قرن سیزدهم هجری است که از

۱. عبقات الانوار، مقدمه، ج ۱، ص ۲۱-۲۰.

۲. راهی به اقیانوس (میر حامد حسین)،
محمدرضا حکیمی، ص ۹۷.

۳. دیدار با ابرار، ج ۸۹، ص ۲۳-۲۱، ریحانه
الادب، ج ۴، ص ۵۵.

مطالعات عمیق و گسترده‌ای انجام داد و چنان در این عرصه مهارت یافت که شگفتی اروپاییان را برانگیخته بود. نویسنده نجوم السماء می‌گوید: اکبر اولاد سید محمد قلی خان مولانا سید سراج حسین، فاضل جلیل، حکیم عصر و فیلسوف ماهر است^(۲). سرانجام این سید بزرگوار در ۲۷ ربیع الاول ۱۲۸۳ ق رحلت نمود.

برادر دوم میر حامد حسین - سید اعجاز حسین (۱۲۸۶-۱۲۴۰ ق) - می‌باشد که از سنین کودکی آثار نبوغ در سیمایش هویدا بود. او با این فراست و هوش ذاتی و اهتمام وافر، نزد پدر و دیگر استادان در فقه و اصول و کلام و حدیث تحصیل کرد و به رتبه‌های بالایی ارتقا یافت و در مباحث کلامی مهارت ویژه‌ای به دست آورد. مدرس تبریزی می‌گوید: سید اعجاز حسین

این عالم شیعی و سالله علوی می‌نویسد: **یکه تاز معرکه فضل و کمالات، و مناظر میدان مناظرات و مباحثات، از اکابر متکلمین عظام جد و جهد. او در إعلاى لوای شریعت و حمایت دین و ملت بر السنه جمهور مذکور و نوادر تحقیقات و غرایب تدقیقات و محامد صفات و معالی کرامات آن رفیع الدرجات در مصنّفات و مؤلفات متأخرین مرقوم و مسطور است**^(۱).

سید سراج حسین برادر ارشد میر حامد است که چون پدر و برادرانش در زمره علما و فرزندان بوده است. او در محضر پدر بزرگوارش و سیدالعلماء علوم و معارف دینی و حوزوی را فراگرفت و به درجات بالایی از فضل و کمال نایل آمد. افزون بر این تحصیلات در دانش طب، ریاضیات، حکمت شرق و غرب داشت و پزشکی و ریاضی‌دان و حکیم ماهر بود. او نخست زبان و ادبیات انگلیسی را آموخت؛ آن‌گاه در فلسفه غرب

۱. فواید الرضویة، ج ۲، ص ۵۹۶.

۲. نجوم السماء فی تراجم العلماء، ص ۴۴۸.

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

داشت. کتاب *کشف الحُجُب و الأستار* - در معرفی نگاهشده‌های علمای شیعه - از آثار او است که در سال ۱۴۰۹ ق توسط کتابخانه آیه‌الله مرعشی به زیور طبع آراسته گردید. اثر معروف دیگرش کتابی است با عنوان *شُدورالعقیان فی تراجم الاعیان* در شرح حال دانشمندان و نام‌داران شیعه که متأسفانه نسخه اصلی آن مفقود شده و نسخه‌های موجود بسیار پر غلط هستند. اخیراً مؤسسه کتابشناسی شیعه این اثر را تصحیح نموده و به زودی در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

این دانشمند محقق در ۱۷ شوال المکرم ۱۲۸۶ ق هنگام بازگشت از سفر حج به سرای باقی شتافت و پیکرش در کنار مزار پدرش مدفون گردید^(۲).

عالمی است مبتکر و در تمامی علوم متداول بصیر و خبیر و از بزرگان علمای شیعه بوده و علوم متنوعه را از والد معظم خود فرا گرفته است^(۱).

این عالم جلیل‌القدر به موازات تلاش‌های آموزشی، علمی و فکری، در تزکیه درون و صفای باطن، ذکر و عبادت نیز اهتمام می‌ورزید و به همین دلیل در زهد، وارستگی، پارسایی و پرهیزگاری به مقاماتی دست پیدا کرد. او نسبت به دنیا بی‌اعتنا بود و حتی از اموال موروثی پدر استفاده نکرد و همه را در راه خیر و کمک به فقرا و یتام به مصرف رسانید و صرفاً با کار در دستگاه دولت شیعیان، هزینه زندگی خویش را تأمین می‌کرد. ضمن این‌که در سمت اداری که داشت، پناه و حامی اقشار شیعه بود و گره از کار آنان می‌گشود و برای رفع مشکلات علما و مشاهیر شیعه تلاش می‌کرد. در نگاه‌داری کتاب‌خانه والدش و نیز غنی کردن منابع آن، نقش به‌سزایی

۱. ریحانة الادب، ج ۴، ص ۵۵-۵۴.

۲. همان، الکرام البرره، ج ۸، ص ۱۴۸، اظهارات حجة الاسلام مختاری، سایت امامت.